

اخبار

تجارت همراه با بازی‌های رومیزی، فکری و سرگرمی

آیین رونمایی از پنج محصول اسباب‌بازی‌های تازه تولید شده در پنجمین جشنواره ملی اسباب‌بازی کانون برگزار شد. آئین رونمایی از پنج محصول اسباب‌بازی‌های تازه تولید شده با عنوان‌های «کامیون حمل زباله»، «وستا بنا»، «رکب»، «صد دروازه» و «آینوس» در پنجمین جشنواره ملی اسباب‌بازی برگزار شد.محمد پناهی تولیدکننده اسباب‌بازی درباره محصولاتش گفت: نزدیک به ۴۵ سال است که فعالیت در حوزه اسباب بازی دارم.

کامیون حمل زباله؛ کارکرد آموزشی برای کودکان

او درباره اسباب‌بازی کامیون سطل زباله افزود: نزدیک به سه سال است که این محصول وارد خط تولید شد، با طراحی این اسباب‌بازی بیشتر قصد داشتیم بهبود شرایط اجتماعی را آموزش دهیم تا کودکان جمع‌آوری زباله را یاد بگیرند و این کامیون به گونه‌ای است که تمام مکانیزم نمونه واقعی را دارد. به نوعی این محصول کامیون زباله حس مسئولیت‌پذیری را در کودکان تقویت می‌کند. پناهی در ادامه بیان کرد: با توجه به اینکه این محصول نمونه‌برداری از محصول خارجی است اما سعی کردیم تغییراتی را در طراحی ایجاد کنیم برخی قسمت‌ها را به کامیون اضافه کردیم و در تنوع رنگی هم توانستیم تغییرات محدودی اعمال کنیم.مهدی‌نژاد در تحلیل این محصول اسباب‌بازی گفت: قطعا این اسباب‌بازی از لحاظ آموزشی برای کودکان مناسب است و این کالا از همه لحاظ برای کودکان جذابیت دارد.

«وستا بنا» اسباب‌بازی ستنی همدان

مهدی رحمان‌پور تولیدکننده و طراح اسباب‌بازی درباره محصولی سنتی همدان با نام «وستا بنا» که بازتولید کرده است، گفت: تصمیم گرفتیم محصولات‌مان را با مواد اولیه و موادی از طبیعت و گل‌رس بسازیم تا جسن آن سفال ساخته شود. این اسباب‌بازی ردمسنی ندارد و کودکان و نوجوانان و حتی جوانان هم می‌توانند بازی کنند. این طراح افزود، ما در بسته‌بندی برای ساخت سفال، آجرهای کامل، نیمه، چارک، سقف و نیمه هال گدازشیم تا کودکان بتوانند با آن بنا را بسازند و حتی مصالح ساختمانی و لوازم جانبی هم در بسته وجود دارد.

«رکب» بازی فکری و سرگرمی

علی سلامتی طراح و تولیدکننده بازی «رکب» درباره فعالیت‌هایش در حوزه محتوای بازی‌های فکری و رومیزی گفت: بازی رکب نمونه‌برداری شده از طرح بازی سرگرمی فرانسوی است زمانی‌که بازی اصلی را دیدم تصمیم گرفتم نمونه فارسی شده‌اش را تولید کنیم. به طراح اصلی این بازی بمیل زدم و به نوعی برای رعایت حق‌حی‌ل‌پناهی باید این کار را انجام می‌دادم که طراح‌با به نمونه فارسی مشکل نداشت. آری‌ذاقوی منتقد و کارشناس درباره بازی رکب گفت: این بازی کیفیت و هنرش نسبت به نمونه‌های مشابه بسیار بالا است و نوع بازی بر تعداد بازی کنندگان هم تغییراتی خاصی دارد که باعث جذابیت بازی می‌شود. البته در برش کارت‌ها کمی ضعف وجود دارد که من احساس می‌کنم این ضعف‌های کوچک به دلیل ایجاد تعادل قیمت و کیفیت است.

«صد دروازه»، مدیریت تجارت ادویه

فرزان قاسملو طراح و تولیدکننده درباره بازی صد دروازه گفت: این بازی برگردان بازی سی‌ان‌شی است که تماما تاشش کردیم برگردان درست و صحیحی داشته باشیم. صد دروازه اسم قدیمی دامغان و جاده ابریشم بوده است که بازی حول محور تجارت ادویه می‌گذرد. این بازی به نوعی خرید و فروش ادویه است و بازی‌کنندگان می‌توانند با کارت‌ها و نوع خرید و فروش، امتیاز کسب کنند و هر کسی امتیاز بیشتری کسب کند برنده صد دروازه خواهد شد. او ادامه داد: ما به نوع طراحی سعی کردیم گریزی به تاریخ ایران داشته باشیم تا بازی را کاملا ایرانیزه کنیم. تا مخاطب ایرانی بتواند به خوبی با این بازی ارتباط برقرار کند.

ذوقی درباره مکانیزم مدیریت تجارت و برنامه ست، بیان کرد: به نظر من قرابت خوبی با نسخه ایرانی دارد اما اگر کارت‌های موجود این بازی انعطاف‌پذیری، هنری‌تر و گرافیک بهتری داشت، قطعاً تأثیرگذاری خوبی داشت.

آینوس»، جنگ هیولا و دزدان دریایی

رضا رضایی‌نصیر طراح و تولید محتوای اسباب‌بازی، درباره بازی رومیزی و بردگیم گفت: برند ما نزدیک به ۲۰ بازی رومیزی تولید کرده و آیینوس آخرین محصول تولید شده ما است. اسم آیینوس هیچ معنایی ندارد و بیشتر یک نوع پیش‌بینی در جنگ‌های دریایی است. ذوقی، درباره بازی آیینوس گفت: پیش‌بینی بازی به گونه‌ای است که مخاطب خیلی شاید نتواند با بازی ارتقایی برقرار کند. من احساس می‌کنم طرح اولیه این بازی که خارجی است از این نمونه فارسی شده بهتر است و نقد من بیشتر بر روی این اثر به خاطر عنوان نشدن نام طراح است که ای کاش قید کنند.

مجموعه رباعی‌های ایرج زبر دست منتشر شد

مجموعه‌ای از رباعی‌های ایرج زبردست با عنوان «سر بر تن و دنبال سرم می‌گردم» منتشر شد. انتشارات مرورای مجموعه‌ای از رباعی‌های ایرج زبردست را با عنوان «سر بر تن و دنبال سرم می‌گردم» روانه بازار کتاب کرده است. زبردست در بخشی از مقدمه خود بر این اثر آورده است: این روزها احساس می‌کنم هزار سال ی‌انتهای زیست‌دام و تمامی دردهای دنیا در من بستری شده‌اند. حتی می‌کنم کسی گلو ی مرا بریده است، کسی که به صدای تاریک سرفه‌هایش عادت کردم. دیشب سر سایه‌دام را بردم. دیشب سرم را کنار سر بریده سایه‌دام گذاشتم. دیشب کنار سر بریده سایه‌دام خوابم برد. دیشب یک قطره خون از گلویم چکیده بود. دیشب سر بر تن و دنبال سرم می‌گشتم. این دفتر رباعی در ۷۶ صفحه با قیمت ۱۴ هزار تومان منتشر شده است.

«زمان ایستاده بود» به قلم «فرزانه قلعه‌قوند» به موضوع لحظه اسارت ۶۱ آزاده می‌پردازد. موضوعی که سال‌هاست از نگاه اهالی دفاع مقدس دور مانده و از این نظر می‌توان آن را کتاب کم‌نظیری نامید.

فرزانه قلعه‌قوند، معلم و پژوهنده برتر کشور و جزو بانوان فرهیخته شهر تهران است. بعد از بازنشستگی سال‌ها در قسمت اداره فرهنگی اداره کل امور بانوان شهرداری تهران با معاونت اجتماعی آنجا همکاری می‌کرده و اکنون معاون پژوهشی مؤسسه پیام آزادگان است. درباره ورودش به این مؤسسه می‌گوید: انگار یک جوهرهایی هلم دادند و اینجا آدمم و از صفر شروع کردم. من هیچ شناختی نسبت به آزادگان و اسرای جنگی نداشتم با اینکه ادعای بچه انقلابی بودن و دفاع مقدس بودن می‌کردم. دیدم کسی آزاده‌ها را نمی‌شناسند. او با بیان اینکه جنگ برای بعضی از اسرا بیش از ۸ سال طول کشیده است معتقد است، جنگ ما از شهروپر پیروز شد، عراق تحرکاتی داشت، مرزها ناآرام بود و از زمین حمله می‌کردند. ما به بازمانده‌های رژیم شاه اعتماد نداشتیم، آنها هم به ما اعتماد نداشتند. دو طرف به هم اعتماد نداشتیم و مرزها را رها کرده بودیم. ما از همان زمان حتی قبل از شروع جنگ اسیر داشتیم. بنابراین اگر جنگ برای همه هشت سال طول کشید، برای بعضی اسرا حتی تا ۱۱ سال هم ادامه داشت.

آخرین کتاب قلعه‌قوند، «زمان ایستاده بود» است که به لحظه اسارت ۶۱ آزاده می‌پردازد. او در مقدمه کتابش اشاره می‌کند که خبری از مشاهیر جبهه و جنگ نیست و تا بخواهید از رزمندگان عادی و گمنام حرف می‌زنند. او می‌گوید همیشه سعی کرده بدون اغراق بنویسد و بی‌جهت از افرادی که در شرایط بحرانی تن به اسارت داده‌اند، بتی برای خواننده نسازد. در ادامه گفت‌وگو فاطمه قلعه قوند درباره اسرای کتاب‌اش می‌گوید:

چرا کتاب شما صرفا به لحظه اسارت می‌پردازد؟ کمتر دیده شده کتابی به این موضوع بپردازد.

سوال خوبی است. شاید این اولین کتابی است که به‌صورت اختصاصی به این مورد می‌پردازد. من زمانی که در پیام آزادگان فعالیت‌ام را شروع کردم به نمایشگاه‌های کتاب می‌رفتم و با افرادی مواجه می‌شدم که لزوماً از عوام هم نبودند. از جلو غرفه که رد می‌شدند می‌گفتند: «آن موقع که ما می‌جنگیدیم، اینجا بدستانشان را بالا برده بودند. چرا تسلیم و اسیر شدند؟ چرا مثل ما نتجنگیدن که یا شهید بشوند یا ...» من دلم می‌شکست و می‌انستم واقعا این‌گونه نیست. با خودم گفتم باید کتابی به نگارش درآورم که لحظه اسارت را نشان همه دهم. این لحظه اسارت، شکوه اسارت را نشان می‌دهد. یعنی آن لحظه‌ای که آنان نه از روی ذلیل بودن بلکه شگوهمند اسیر شدند. ما اگر به تاریخ کربلا برگردیم حضرت زینب (س) را داریم با آن صبر و صلابت اسیر شده بود. کسی که می‌گفت من جز زیبایی از عاشورا ندیدم. اینجا هم جز زیبایی در جنگ ندیده بودند. باید بدانیم که همه جنگ‌های دنیا اسارت دارد. از آن موقع به آن فکر کردم تا اینکه سال گذشته شروع کردم. این‌ها را از دل سه هزار ساعت مصاحبه‌ای که داشتم، درآوردم. به سراغ خاطراتی از عملیات‌های مختلف رفتم و به‌صورت اتفاقی بخشی از آن را انتخاب کردم، قبول دارم واقعا کتاب تلخی است و به‌گونه‌ای نیست که مخاطب بخواند و آرامش بگیرد.

گفتید که به سراغ خاطراتی از عملیات‌های مختلف رفتم و تعدادی از آن را انتخاب کردید. آیا این شصت و یک نفر انتخاب شما وجه اشتراک یا پیوندی با هم داشته‌اند؟

وجه اشتراک آنها فقط «اسارت» و اقتدار اسارت است. اینکه همه آنها در نابرابری شرایط به اسارت درآمدند. یعنی یا مهمات تمام شده بود یا مجروح بودند یا می‌خواستند مجروحی

را از یک کانال نجات دهند. مثلاً هلیکوپتر می‌آمد پایین برای نجاتشان ولی این‌ها دیگر دستی نداشتند که آن را بگیرند. خیلی اتفاقی شصت و یک اسیر شد. در کتاب از سپاهی، بسیجی، فرد عادی رزمزین، فیلمبرداری که از همراهان شهید آوینی بوده و تازه از کانادا برای فیلمبرداری در کرمانشاه بازگشته بود، معلم، روحانی، دانش‌آموز و همه طیفی هستند. از عملیات‌های خیر، کربلای ۴ و ۶، بدر، رمضان، والفجر مقدماتی، فتح‌المبین، والفجر ۹ و ۱۰، بین‌المقدس و ... دیده می‌شود. درواقع سعی کرده‌ام آدم‌ها با عضویت‌های مختلف در عملیات‌ها در سال‌های متفاوت را بیاورم و جالب بود که همان‌قدر که آن سپاهی یا بسیجی اقتدار داشت، آن رزمزین‌ش هم داشت.

❖ روند مصاحبه‌ها، تهیه و تدوین کتاب چقدر طول کشید و چگونه انجام شد؟
کتاب شامل خاطرات اسرایی از نیمه اول سال ۵۹ (حتی قبل از شروع جنگ) تا بعد از قطعنامه است. خاطراتی که از ۳۰۰۰ ساعت مصاحبه و یا بعضی از کتاب‌های مربوط به این حوزه استخراج شد. تنها شرط هم اسرارها و عملیات‌ها و عضویت‌های مختلف بود. بعد از انتخاب آن‌ها، دوباره به سراغشان رفتم و مصاحبه‌های جدیدی گرفتم. بیش از دو سال هم کار مصاحبه‌ها و پیاپی‌سازی و نگارش کتاب زمان برده است.

❖ شما در کتاب از بعضی عناصر داستانی استفاده کرده‌اید، آیا این‌ها به اصل مستندات لطمه‌ای رسانده است؟ چقدر قلم و تخیل‌تان در متن دخیل بوده است؟
خیلی کم سراغ ادبیات رفتم‌ام و اگر هم رفته باشم سعی کرده‌ام با ادبیات ساده و به زبان عامیانه باشد. البته قالب کتاب داستانی است اما یک سر سوزن هم به مستندات لطمه زده است. همه واقعیت آنی است که در کتاب آمده فقط با لباس ادبیات تزئین شده‌اند و با استفاده از لهجه‌های مختلف در دیالوگ‌ها سعی کرده‌ام خواندنی‌تر کنم و خواننده کشش بیشتری پیدا کند. سعی نکردم قلم باعث شود که از سند دور شوم. سند عین واقعیت است از جمله زمان و مکان و افراد و حالات و...

❖ شما فقط می‌خواستید آن لحظه اسارت را به تصویر بکشید؟

نه. از آن لحظه‌ای که پیوستند به عملیات تا

لحظه اسارت شدن.
❖ چرا اینقدر کوتاه و کم؟
هدفم فقط این بود نشان بدهم آنها مقتدرانه اسیر شده‌اند.

❖ چرا درباره اسرا حرف و حدیث ضد و نقیض زیاد است که آنها به سرعت خودشان را تسلیم دشمن کردند، در حالی‌که باید با دشمنان می‌جنگیدند و رو به جلو حرکت می‌کردند تا شهید شوند؟
معنی حرف‌هایی که من می‌شنیدم این نبود! بیشتر این حرف‌ها به این معنا بود که تا یک ترکشی چیزی از این‌ها فوری تسلیم شدند. ما در اسارت داریم که یک لشکر عراقی آمد و فقط دو نفر از نیروهای ما را اسیر گرفت ولی

نویسنده کتاب «زمان ایستاده بود» :

برای اسرا جنگ ۱۱ سال طول کشید



اصلاً نداریم که دو نفر عراقی بیاید و یک لشکر از ما را اسیر کند. ولی برعکسش بود. بله! اشکالی ندارد تسلیم شدن ولی معنی حرف‌ها این بود که اسرا اصلاً نخواستند مقاومت و مبارزه کنند. در صورتی که در این کتاب نشان می‌دهد که واقعا این‌طور نبوده و آنها تا آخرین لحظه مقاومت کردند. حتی جایی در کتاب داده می‌شود که دو نفر با یک لشکر دشمن مانده بودند و آنها از جاهای مختلف تیراندازی می‌کردند تا دشمن فکر کند بسیار زیاد هستند.

❖ بنظر شما باقی کتاب توانسته به اتهامات سریع تسلیم شدن رزمنده‌ها پاسخ دهد؟

بله! زیرا نظراتی که درباره کتاب به من گفته شد، این را نشان می‌داد. مثلاً یکی از بازیگران معروف بعد از خواندن کتاب به من زنگ زد و با بغض گفت من اصلا فکر نمی‌کردم تعدادی رزمنده به این شکل اسیر شدند. مثل بقیه فکر می‌کرد تعدادی شهید شدند و تعدادی هم مجبور شدند فوری دستشان را بالا ببرند و اسیر شوند.

❖ ما کتاب‌های معروف زیادی در جهان داریم که نویسنده از جنگ در کشورش نوشته است و ما بدون اینکه از آن جنگ یا جغرافیا یا مردمش چیزی بدانیم، به خوبی با سطر به سطر آن همذات‌پنداری می‌کنیم، چرا راجع‌به دفاع مقدس این اتفاق نیفتاده است، و نتوانستیم کتاب‌هایمان را جهانی کنیم؟ جایی می‌خواندیم که نوشته بود «کتاب‌های دفاع مقدس تنها بین خودمان خوانده می‌شود» چرا باید این‌طور باشد؟ چرا جنگ ما ناشناخته و مهجور باقی مانده است؟
درست است! علت آن انحصاری کردن دفاع مقدس است، الان مردم درگیر یک سری ناملایماتی‌ها و بی‌مهری‌ها هستند و از زمین و زمان فراموش هستند و تا بخواهیم از جنگ حرف بزنیم، همه می‌گویند بروید بابا، دیگر جنگ تمام شد. فکر می‌کنند جنگ یعنی فقط بچه بسیجی و سپاهی! در صورتی که ما در همین اسرائیلان، اسیر ارمنی داشتیم که خدمت سربازی‌اش تمام شده بود ولی برنگشت و ماند! جنگید و اسیر شد. هرچقدر هم بابت ناملایماتی که الان درگیر آن هستیم، ناراحت باشیم باز هم به دفاع مقدسمان بدهکاریم! مثلاً در همین کتاب فردی را نشان می‌دهد برای اسیر نشدن در بهمن ماه که سرما

بیاد می‌داند در آب‌های هور با دست‌های له شده و مجروح، یخ بسته بود. ما انصافاً به آنها بدهکار نیستیم؟ برای این هشت سالی که یک وجب خاک از دست ندادیم؟ ما باید مثل خیلی از کشورها این بدهکاری را وارد خانه‌های مردم می‌کردیم.
❖ چگونه باید این کار را می‌کردیم و نگاه ملی را ایجاد می‌کردیم؟
به نظر من مسئولین ما باید این نگاه را عوض می‌کردند و از بقیه هم در جریان دفاع مقدس استفاده می‌کردند.

❖ یعنی نظر شما این است که ما این‌چنین کتاب‌هایی داشتیم ولی خوب معرفی نشده‌اند؟
استفاده می‌کردند در نظر گرفت.

کفش‌زاده تاکید کرد: ثبت عروسک در میراث شرایط دیگری هم دارد، مثلاً اینکه عروسک باید منافاتی با فرهنگ نداشته باشد، باید با محیط زیست سازگار باشد، به توسعه پایدار زنان و کودکان کمک کند و دارای قدمتی بیشتر از ۵۰ سال باشد.
حمایت از تولیدکنندگان عروسک در شورای نظارت بر اسباب‌بازی
ملکی، رئیس دبیرخانه شورای نظارت بر اسباب‌بازی با اشاره به حمایت این شورا از عروسک‌سازان گفت: شورای نظارت بر اسباب‌بازی از سال گذشته برای حمایت از اسباب‌بازی‌سازان تخفیف ۵۰ درصدی برای ثبت عروسک در نظر گرفت.

او ادامه داد: ما از تمام عروسک‌هایی که به شورای نظارت بر اسباب‌بازی معرفی شد، استقبال کردیم، اما تفاوت ما با میراث فرهنگی در ثبت عروسک این است که با ثبت هر عروسک به نام طراح، فرصت قانونی دفاع از حق طراحی را برایشان فراهم کردیم.

جایگاه عروسک در هویت سازی

احسانی، کارآفرین حوزه عروسک در این نشست گفت: دغدغه اصلی ما فرهنگ و طبیعت بود، بنابراین باید شغلی برای افراد ایجاد می‌کردیم که با فرهنگ و محیط زیست سازگار باشد. گروه ما هیچ کاری برای احیا یا بازسازی عروسک‌های قدیمی انجام نداده است، ما فقط به سازندگان کمک می‌کنیم که این هنرها را به شکل قابل استفاده‌ای تولید کنند.

او ادامه داد: ما از سال ۸۰ درگردشگری پایدار به این نتیجه رسیدیم که استفاده از عروسک کمک می‌کند تا افراد به هویت خودشان بازگردند. گردشگری پایدار در واقع گردشگری مسئولانه

بله خوب معرفی نشده‌اند. مسئولین و خود انتشارات و کسانی‌که می‌توانستند در دیده شدن آن‌ها کمک کنند و کوتاهی کردند. ما خودمان نخواستیم که با طیف غیرمذهبی مان آشتی کنیم. چیزی دیگری هم هست که انتشاراتی‌های معروف کتاب‌هایی را سفارشی و ارگانی پخش می‌کنند. کتاب در چاپخانه است ولی چند چاپش فروخته شده است. بله این‌ها هم ضربه زده است. کتاب را اگر پنجاه نفر خودشان بخردند بهتر است تا به پانصد نفر قلم‌های در مراسمی توزیع کنید که وقتی در خانه‌ات می‌گردد می‌بینی ده تا از فلان کتاب را داری. چرا؟ چون در هم‌ایشی به افراد هدیه داده‌اند و نمی‌خوانند! فقط اسم دهن‌پرکنی دارد که این کتاب به چاپ چندم رسیده است. همچنین بچه‌ها بداندند کتاب جنگی است، رغبتی نمی‌کنند و نمی‌خوانند.

❖ باید ذائقه‌سازی شود تا بچه‌ها هم با دفاع مقدس آشنا بشوند؟
ولی نه همه جزئیاتش! برای بچه‌ها ما می‌توانیم بدون اینکه اسمی از جنگ و خونریزی بیاوریم، کار کنیم. مثلاً پیکر شهید را در کتاب تشریح کنیم که مغزش شاشیده است و...
❖ بیشتر به لایه‌های ایثار باید پرداخته شود...

دوستی، ایثار و کنار آمدن با شرایط و همچنین رسانه. مثلاً در کتاب «سرباز کوچک امام (ره)» که خاطرات «مهدی طحائیان» آزاده ۱۳ ساله است، چیزی که برای من جالب بود اینکه چقدر این نوجوان رسانه‌شناس بود، بدون اینکه سواد رسانه‌ای داشته باشد. کافیتست اسطوره‌سازی نکنیم. چون اسطوره دست نیافتنی است. به عنوان یک معلم و نویسنده می‌گویم اگر قرار است برای بچه‌ها کتاب بنویسیم می‌توانیم سراغ مؤلفه‌های غیرواقعی برویم. باید ببینیم که هدف ما اسم است یا رسم؟ هدفمان رسم است! اسم مهم نیست و دیگر تمام شد. در رسم است سبک زندگی ما را تعیین می‌کند. ما ترکیب اسم‌ها هستیم نه رسم‌ها.

❖ کتاب را از ارگان یا نهادهی سفارش گرفته بودید یا دغدغه شخصی خودتان بود؟

کاملاً دغدغه شخصی و ادای دین بوده است. بالاخره اسارت لایه‌های پنهان و اتفاقات بی‌نظیری دارد که ما برای هر موضوع آن باید کتابی بنویسیم.
❖ شما از حال و روز این اسرا اطلاعی دارید؟
بعضی‌هایشان خیلی پیر شده‌اند. بعضی هم بسیار بیمار و ناتوان هستند آنها با کلی آسیب‌های روحی و جسمی برگشتند و بسیار فرسوده‌تر از باقی بازمانده‌های جنگ شدند. دولت آنها را رها کرد و هیچ وقت آنالیز ندهد‌اند. همیشه ما درگیر جنگ‌های سیاسی هستیم و اسرا را فراموش کردیم. مملکتی که یک روز آن‌ها را روی شانه‌های خود گذاشت و فریاد «آزاده قهرمان خوش آمدی به ایران» سر می‌داد، به راحتی فراموششان کرد. بیشتر آن‌ها که اسیر شدند آن زمان نوجوان بودند و وقتی برگشتند آنقدر فرسوده شده بودند که دیگر حال درس خواندن نداشتند و شغل‌های خوبی به آن‌ها پیشنهاد نمی‌شد. به نظرم غنایم جنگی ناعادلانه تقسیم شد.

❖ یعنی آن سهمیه‌ها شامل آزاده‌ها نمی‌شود؟

منظورم این نیست! یعنی سهمیه بیشتر یک چیز دهن پر کن است. سهمیه‌ای که شامل فرزندان کرسی‌های مجلس می‌شود بیشتر از دفاع مقدس است! ببینید همه‌ی کشورها برای بازماندگان جنگی هر مملکتی چه کارها می‌کنند حتی برای نوه‌هایی که می‌مانند. ولی برای ما فقط در بوق کردند و اصلاً خبری نیست. من چقدر آزاده می‌شناسم که فرزندان‌شان تحصیلات عالیه دارند ولی بی‌کارند. سهمیه فقط ممکن است ضریبی باشد که کمک کند وارد دانشگاه شوند و بدون شغل بمانند! مگر تحصیلات خالی نان و آب می‌شود؟ هیچ‌گونه فرصت شغلی فراهم نیست. باز هم آفازاده‌ها و فرزندان مجلسی‌ها می‌روند.



است.
اهام گرفتن از عروسک‌های ثبت شده در میراث فرهنگی
در بخش دیگری از این نشست، بیات با اشاره به حضور گسترده عروسک‌ها در جشنواره اسباب‌بازی گفت: ما امسال توانستیم در این جشنواره بخش عروسک‌ها را به شکل جداگانه‌ای داوری کنیم. من به واسطه ارتباط کاری که با موزه عروسک‌های ملل و عروسک‌های فرهنگ ایران دارم، خواسته‌ام این است که ما به فرهنگ خودمان بازگردیم. به سراغ عروسک‌هایی برویم که از لحاظه تاریخی‌ما نشأت می‌گیرند. چون بسیاری از این فرهنگ‌ها در معرض فراموشی قرار دارند.
او تاکید کرد: روش ساخت این عروسک‌ها که در میراث فرهنگ ثبت شده‌اند، می‌تواند منبع خوبی برای الهام ما در عروسک‌سازی باشد. لازم نیست حتماً به بازآفرینی عروسک‌های قدیمی روی بیاوریم. حتی استفاده کردن از این روش‌ها برای ساخت می‌تواند به ما کمک کند. چون تمام این عروسک‌ها شناسنامه و عقبه تاریخی دارند. جلیلودن، فعال حوزه عروسک درباره ثبت انجمن طراحان عروسک‌ها گفت: عروسک‌سازان چه آن‌هایی که عروسک خلاقانه تولید می‌کردند یا حتی کی‌کارت بودند، جایی برای این که کنار هم باشند نداشتند. جایی که عروسک‌های خودشان را به گوش مسئولان برسانند. ما پارسال اولین نشست عروسک‌سازها را داشتیم و درباره تشکیل انجمن صحبت کردیم.

اخبار

وزیر میراث فرهنگی و گردشگری:

تعطیلات زمستانی سبب رونق گردشگری در استان های جنوبی می شود
وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گفت: اجرای طرح تعطیلات زمستانی سبب کاهش آلودگی و رونق گردشگری در کل کشور به‌ویژه استان‌های جنوبی می‌شود.
به گزارش خبرنگار مهر، علی‌اصغر مونسان ظهیر کشنشه در حاشیه آئین افتتاح نمایشگاه سراسری صنایع‌دستی در بندرعباس اظهار کرد: در این نمایشگاه شغل‌های ایجاد شده بخش صنایع دستی با حضور صنعتگران به نمایش گذاشته خواهد شد. این شغل‌ها با سرمایه‌گذاری اندک و کم‌ترین فشار به دولت توسط بخش خصوصی ایجاد شده‌اند.

وی صنایع دستی را یکی از مصادیق تحقق اقتصاد مقاومتی دانست و ابزار داشت: گردشگری که این جهت اهمیت دارد که تمام ظرفیت‌های ایران در این زمینه درونی است و تحریم بر روی آن نمی‌تواند تأثیری داشته باشد و امروز نیز شاهد هستیم هم در داخل و هم در خارج صنایع‌دستی و هنر دست صنعتگرانمان به فروش می‌رسد.

مونسان ادامه داد: طرح تجاری‌سازی صنایع‌دستی در کشور دو سالی است که آغاز شده است.

وی اضافه کرد: تلاش شد بر طراحی مبتنی بر سلیقه مشتری و بازار کار نیز تمرکز برخی طرح‌ها در قدیم مانده بود و سلیقه امروز مشتری دیگر آن را نمی‌پسندید.امروز طراحی‌ها بسیار متفاوت شده و بر روی برندسازی کار بسیاری کردیم و جا دارد تلاش‌های خود را به برند تبدیل کنیم.

وزیر میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری مطرح کرد: زحمات صنعتگران و هنری که خلق می‌کنند نباید به‌صورت فله‌ای به فروش برسد بلکه باید در بسته‌بندی‌های مورد قبول جهان و با ارزش افزوده بیشتری به فروش برسد.

مونسان کاربردی کردن صنایع دستی را یکی از الزامان موفقیت آن دانست و اضافه کرد: در گذشته به صنایع‌دستی به‌عنوان کالای لوکس و عتیقه‌ای نگاه می‌شد اما بخش جدیدی به‌عنوان کاربردی کردن صنایع‌دستی یاقیمتی پایین‌تر که در زندگی روزانه مردم کاربرد داشته باشد نیز رانداختاری شده است.

وی با بیان اینکه جوانان تحصیل‌کرده امروز در رشته‌های مختلف صنایع‌دستی در حال فعالیت و کارآفرینی هستند و شرمندهمایم که به‌تناسب فعالیت‌شان نتوانستیم امکانات حمایتی را فراهم کنیم، خاطرنشان کرد: موضوع بیمه هنرمندان صنایع‌دستی را دو سال است که در بخش‌های دولتی پیگیری می‌کنم اما بودجه‌های اندک به آن اعطا می‌شود.

وزیر میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری با اشاره به اینکه با تناسب به پولی که دریافت کرده‌ایم، چهار تا پنج هزار نفر در قیاس با ۵۰۰ هزار نفر را در لیست بیمه اضافه کرده‌ایم، تصریح کرد: باید این موضوع را پیگیری کنیم و امید دارم سازمان برنامه‌وبودجه کشور به این بیمه هنرمندان صنایع‌دستی توجه کافی کند زیرا قانون وجود دارد و نیاز به تأمین بودجه لازم داریم تا این اطمینان خاطر برای هنرمندان این بخش فراهم شود.

وی در خصوص تعیین تکلیف طرح تعطیلات زمستانی، اظهار کرد: این طرح را از دو سال پیش همراه با مزایایش به دولت ارائه کردیم.

مونسان با اشاره به اینکه استان‌های جنوبی کشور به دلیل شرایط آب و هوایی عمده اوقات خوب گردشگری‌شان نیمه دوم سال است، گفت: طرح تعطیلات زمستانی سبب رونق اقتصادی و گردشگری این استان‌ها خواهد شد.

وی اظهار کرد: این طرح باعث کاهش آلودگی هوا می‌شود اما متأسفانه به این موضوع توجه چندانی نشد و در چرخه وزارت آموزش‌وپرورش رفت و با توجه به سه مرتبه نامه‌نگاری آن‌ها اظهارنظر نمی‌کردند و در چرخ‌دنده‌های اداری گیر کرد.

وزیر میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری ابراز داشت: امسال شاهد تعطیلی زیادی در آن مقاطع بودیم اما برنامه‌ریزی لازم صورت نگرفته بود و چه خوب بود این تعطیلی‌ها با برنامه‌ریزی و دستاوردهای گردشگری و اقتصادی برای کل کشور رخ می‌داد.

مونسان گفت: اجرای این طرح سبب کاهش آلودگی و رونق گردشگری در کل کشور به‌ویژه استان‌های جنوبی می‌شد. بازمه پیگیرم و امیدوارم این طرح باتجربه رخ‌داده در سال جاری، مورد تصویب قرار بگیرد.

کتاب جدید مهدی حجوانی چاپ شد

کتاب «عالیجناب مامان‌خانوم» نوشته مهدی حجوانی توسط نشر اقق منتشر و راهی بازار نشر شد. کتاب داستانی «عالیجناب مامان‌خانوم» نوشته مهدی حجوانی به‌تازگی توسط نشر اقق منتشر و راهی بازار نشر شده است. مهدی حجوانی نویسنده این‌کتاب، یکی از مؤلفان شناخته‌شده ادبیات کودک و نوجوان است که امسال از طرف انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به‌عنوان مروج کتابخوانی، برای دریافت تندیس آسترید لیندگرن سوئد در سال ۲۰۲۰ معرفی شده است. حجوانی دارای مدرک دکترای پژوهش هنر و عضو هیئت علمی دانشگاه است که از سال ۶۰ به این‌سو، به‌عنوان نویسنده، مترجم، ویراستار و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان فعالیت می‌کند. کتاب «عالیجناب مامان‌خانوم» درباره یک مامان‌خانوم بحال و ۹۷ ساله است؛ مامانی که عاشق مسافرت، عکس‌گرفتن، موبایل، آژانس گرفتن و بک‌فک خوردن در سینما است. این‌مامان‌خانوم خاطرات بامزه‌ای دارد که عزیزانش نقل کرده‌اند. این‌کتاب با ۶۴ صفحه، شمارگان ۲ هزار نسخه و قیمت ۲۳ هزار تومان منتشر شده است.